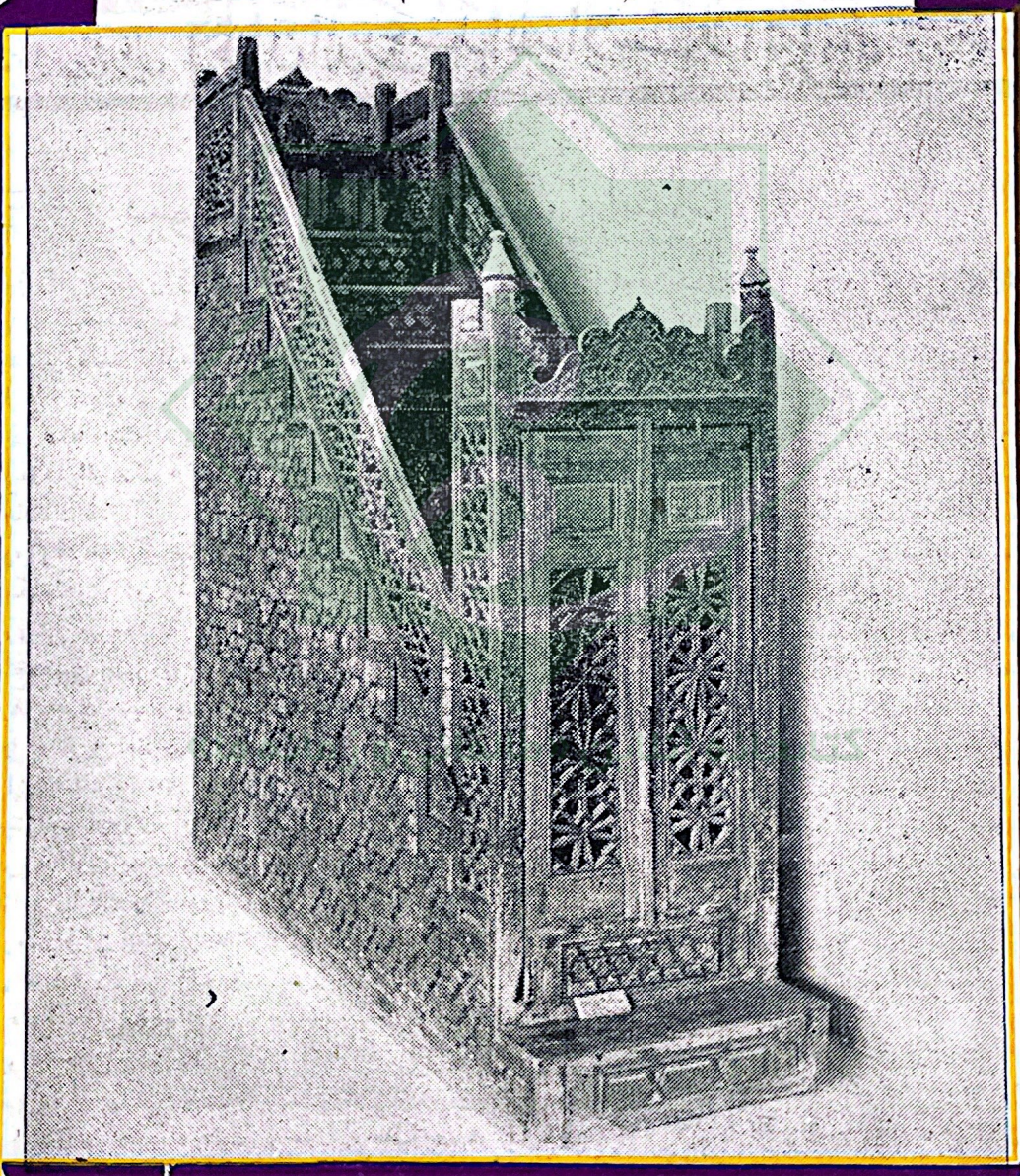
آئین اسلام

جمعه ۹ بهمن ۱۳۳۶ | شماره ۳۷ | برابر ۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۷



سال چهارم

آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوربانی
نشانی - تهران - سرپل امیر بهادر
تلفن ۸۶۱۹

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

یک شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلا دریافت میشود

بیوگرافی پیغمبر اسلام (ص)

از روزیکه بشر درروی زمین پیدا شده و جامعهٔ از خود تشکیل داد و قدم بعرصه زندگانی نهاد طبعاً براهنما و مصلح نیاز پیدا کرده‌است وازهمان روز کسانی بعنوان پیغمبری ازجانب خدا قیام نموده و کاروان بشررا درسیر وسلوك از افراط وتفریط نگه داشته‌اند واین پیغمبران که درهر دوره پدیدار شده‌اند دارای یکنوع صفات پسندیده و اخلاق حسنه بوده‌اند که عادتاً درغیر آنها وجود یك چنین صفاتی محال بوده است وما وقتیکه اوضاع زندگانی هریك از آنهارا که دست تاریخ بکنجکاوی آن رسیده مورد مطالعه قرار میدهیم باین حقیقت روشن میرسیم که این مردان ملکوتی در عین حالیکه ازسنخ همین جنس دوپا بوده‌اند دراوضاع زندگی و زندگانی ازهر جهت نسبت بهم جنس خود ممتاز بوده‌اند.

مطالعه درتاریخ اینگونه اشخاص وتحقیق در پیرامون شخصیتهای این عناصرپاك مارا به‌یك قاعده وروشی رهنمائی مینماید که میتوانیم ازروی آن قاعده وروش دروغگوئی و چاپلوسی وفریب کاری مدعیان پیغمبری را کاملا دریابیم و فریب آن عناصر ناپاك را نخوریم وما اگر بخواهیم شرح زندگانی هریك ازآن پیغمبران حقیقی‌را مورد بحث قرار داده ودعوی خودرا بکرسی دلیل بنشانیم باید مدتهائی در این موضوع قلم فرسائی نموده ودقایق حساس زندگانی‌هریك ازآنان را برشته تحریر آورده ویکایك آنهارا شرح دهیم تا بتوانیم کاملا پرده ازچهره حقیقت برداریم ومارایك چنین مجالی نبوده ونمیباشد چیزیکه هست از مجموع مطالعات در پیرامون پیغمبران تنها یك جامعی بدست میآید که آن جامع میتواند دراین مورد قاعده کلی باشد و آن جامع اینست که هر پیغمبری که ظهور نموده از آغاز زندگی و زندگانی خود تاپایان چه درکودکی وجوانی و چه در پیری وسالخوردگی برخلاف آنچه که جامعه را بسوی آنان دعوت نموده‌اند عملا و قولا قیام ننموده‌اند وپاك وپاکیزه زندگی نموده وپیش‌از همه همان راهی‌را که راه سعادت تشخیص‌داده ومردم را بسوی آن راهنمائی میکرده اند خود میرفته اند

اگر تحقیق درزندگانی پیغمبران دیگربرای ما دشوار باشد وبجهة دوری زمان‌و گذشتن قرون متمادیه تاریخ نتوانسته حالات واوضاع آنها را کاملا در مخزن خود نگهداری نماید دراین شبهه نیست که اوضاع زندگی پیغمبر اسلام را بسیار نیك ومفصل توانسته است که محفوظ داشته وپس از سیزده قرن‌ونیم باهمان تازه گی‌وبدون آلایش‌و کمال سادگی‌بمعرض مطالعه مردم این عصر وعصرهای آینده بگذارد - پس ما میتوانیم اززندگانی آن حضرت قوائد مسلمه‌ای برای صحت وصدق پیغمبران استفاده نمائیم.

اینك بمناسبت تصادف امروز باروز ولادت آنحضرت لازم دیدیم که بیوگرافی آن حضرت را مختصراً دراین‌مقاله شرح دهیم اگرچه شرح زندگانی آنحضرت درسالهای گذشته ضمن مقالات متعدده در این نامه دینی درج شده است ولی موضوع باندازهٔ مهم است که هرقدر بیشتر تکرارشود بیشتر مؤثرخواهد شد چه خوش گفته آن شاعرعرب:

اعد ذکر نعمان لنا ان ذکره
هوالمسك ما کررته یتضوع

روز ولادت روزجمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۵۷۰ یا ۵۷۱

آنحضرت درمحله ای که درمکه اکنون بمحله ساسه مینامند گیتی‌را بوجود مبارك خود منورساخت پیش‌ازتولدش پدر بزرگوارش عبدالله وفات کرده بود ودرشش سالگی مادرش آمنه بنت وهب درگذشت واین مولودمبارك راهشت یاده نفر دایه بودند که ازجمله ثویبه کنیز عمویش ابولهب بود که حمزه پسر عبدالمطلب را نیزشیر میداد وآنکه بیشتر ازهمه بدایگی آن حضرت مفتخر بود حلیمه خاتون از قبیله بنی‌سعید (هوازن) بود که دوسال شیرداد وسه‌سال هم‌درصحرا نگهدار آنحضرت بود.

جوانی جوانی در دوره زندگانی بهترین معرف پاکی

آنحضرت وناپاکی هرآدمیزاد تواند بود هرکه در جوانی

بقیه در صفحه ۱۹

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۲۴)

واذقلتم یاموسی لن نؤمن لك حتی نری الله جهرة فاخذتکم الصاعقة وانتم تنظرون

وهنگامی که گفتید ای موسی هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد مگر آنکه خدا را آشکارا و بی‌پرده به‌بینیم، پس شمارا صاعقه‌ای فرا گرفت درحالی که نظاره میکردید.

بنی‌اسرائیل پس از نجات ازچنك فرعون و اتباعش و وبعد از گذر کردن از دریا هنگامیکه موسی برای مباعده بکوه طور رفت گوساله‌ای ساخته آنرا پرستیدند! موسی ازمشاهده این عمل شرم‌آور بجان آمده برآشفت وخداهم توبه آنانرا کشتن یکدیگر مقرر کرد تا خون کثیف و نکبت‌بار گوساله پرستی که بتوارث بآنان رسیده بود ریخته شود.

قوم بنی‌اسرائیل درنتیجه قدرت سرپرستی حضرت موسی بود که توانستند ازچنك فراعنه ومصریها نجات یابند وگرنه کجا میتوانستند چنین نهضتی کرده استقلال و آزادی پیدا کنند.

انبیاء دوجور قوه وقدرت دارند و دو قسم مردم را هدایت کنند: یکی قدرت معجزه وخرق عادت و دیگری نیروی تصرف درعقول مردم

امامعجزات که مدنظر مردم بصورت خرق عادت است هیچ یك بی‌علل‌واسباب نیست منتها چون خارج ازفهم‌وادراك عموم است باعث تعجب وحیرت میشود.

اصل اعجاز بروی اسباب‌وعللی است که شاید روزی بشربدان برسد مثلاپیمبری که بامسافت دوری صحبت میکردیا منظره دوری را نشان میداد یا عصائی را باژدهائی مبدل میساخت عمل‌محالی نکرده بود زیرا امروز بشر توانسته‌است باکمك اسباب و وسایل ازمسافتهای دور با یکدیگر گفتگو کند ویکدیگر را به‌بینند اکنون‌هم عصاها اژدهامیشوند و اژدهاها به‌عصامبدل میگردند.

اژدهائی که بمیرد خاك میشود و درختی که بروید از خاك منجمله مواد مرده اژدها تغذیه میکند و از آن عصا میسازند.

غذائیرا که آدمی میخورد ونطفه‌ای میشود وبه انسانی مبدل شده بزرك میشود. عجیب تر از اژدها شدن عصا است منتهاچون در نظر مردم عادی شده عظمت اعجازش از بین رفته‌است.

انبیاء هم‌معجزاتی نشان میدادند وخرق عاداتی میکردند تامردمی که غرق درمحسوساتند خاضع شوند.

اما قدرت دیگر انبیاء قدرت تصرف درعقول افراد است انبیاء سلف بعلت عدم رشد عقلی بشر بمعجزاتی از قبیل دریا شکافتن وعصا اژدها کردن دست میزدند تامردمیرا که تنها در برابر محسوسات قانعند خاضع کنند ولی عیب این عمل آنست که بمجرد کهنه شدن‌مردم آنرا فراموش کرده بعقائد میراثی واجتماعی پیشین بازمیگردند. مثل قوم بنی اسرائیل که‌پس از دیدن آن‌همه آیات ومعجزات بمجرد دورشدن حضرت‌موسی گوساله پرست شدند.

اما اگر بانیروی تصرف درعقل مردمیرا قانع کنندیعنی عقل وخرد افراد در برابر موضوع حق و واقعی خضوع کند وآنرادرست تشخیص دهد ممکن نیست دست‌از عقیدهٔ خویش بردارد.

لذا مردمی که بقرآن ایمان آورده بودند ممکن نبود بیدین شوند و دست از خداپرستی بکشند زیرا پیغمبر اسلام کمتر معجزه نشان میداد وعقل مؤمنین را دربرابر موضوعات حق و درست خاضع ساخته بود.

مردمی که باعصا اژدهاشدن بخدا معتقد شوند باصدای گوساله‌ای هم ازآن عقیده دست میکشند. این عمل نتیجه‌عدم رشد عقلی وبی‌لیاقتی جمعیتی رانشان میدهد.

پس بامعجزه وخرق‌عادت بخدا ایمان آوردن‌خطرناك است همانطور که قوم بنی اسرائیل پس از دور شدن قدرت سرپرستی‌موسی(ع) اخلاق‌وعادات‌زمان‌جاهلیت‌ودوران‌بردگی را پیش گرفتند وخداهم عیدخون را برای آنان مقرر کرد تا چنان در روحیه آنان تأثیر کند که نه تنها خودشان گوساله پرستی نکنند بلکه آیندگان‌هم همیشه متوجه باشند که برای چهل روز گوساله پرستی قوم بنی‌اسرائیل چه بلائی دیدند و چه‌عذابی چشیدند واین‌عید خون سدی جلوی بازگشتن‌بعادات میراثی وعقاید قبلی باشد.

اما با اینهمه زحمات رشدی پیدانکردند که‌بتوانند باعقل خویش خدا را بشناسند لذابموسی گفتند بلائی بسرما آوردی که دیگر گوساله پرستی نخواهیم کرد ولی باین خداهم ایمان نمی‌آوریم مگرآنکه اورا باچشم به‌بینیم!

موسی متحیرشد که باین امت چه‌بگوید و پیام آنانرا چگونه به باریتعالی برساند.

فاخذتکم الصاعقه. شمارا صاعقه فرا گرفت

بناشد عده‌ای بهمراهی حضرت‌موسی بکوه طوربروند وتمرکز یك نیرو وتجلی یك قدت ازنیرو وقدرتهای دستگاه آفرینش را بنگرند، اگر توانستند دربرابر تجلی آن‌نیرو و قدرت ناچیز که یکی از قدرتهای طبیعت بیش نیست پایداری کنند خداراهم خواهند دید. اماچون‌صاعقه زدهمه بیهوش‌شدند حتی‌موسی(ع)

این اتفاق در زمان‌خود حضرت‌موسی رخ‌داده ولی‌قرآن به‌قوم بنی‌اسرائیل معاصر خود خطاب میکند. زیرا جمعیت و قوم چون دارای یك سلسله عادات واخلاق میباشند وبامعاونت یکدیگر زندگی میکنند و بعلاوه همین قوم‌معجزاتی را که پدرانشان ازحضرت موسی‌خواسته بودند درخواست میکردند

قرآن اعمال ورفتار پدرانشانرا تذکر داده‌میفرمایدشما هم چون پدران خویش بامعجزات وآیات وخرق عادات دست ازطریقه ناصواب خود نمیکشیدوباسلام نمیگروید

ناتمام

آیین اسلام

جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۲۶ | شماره ۳۸ | برابر ۲۴ ربیع الاول ۱۳۶۷



سال چهارم

مسلسل ۱۵۰

آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوربانی
نشانی - تهران - سرچشمه امیر بهادر
تلفن ۸۹۱۹

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان و کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

تک شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلاً دریافت میشود

((مواظب باشید فریب دشمنان ما را نخورید))

اوضاع آشفته کشور از یکسو و نابسامانی وضعیات ملت فلك زده و بیچاره از سوی دیگر ایجاب میکند که ما در هر شماره از نظر مسئولیت بزرگی که برعاتق خود گرفته‌ایم آنچه راه صلاح دین ودنیای امروز ماست بنویسیم و هیچگاه خارج از این موضوع بحثی ننمائیم ولی متاسفانه مخالفین ما و دشمنان آئین اسلام گاهی چنان وقاحت بخرج میدهند که مارا ناچار میکنند که قلم‌را ازمجرای طبیعی خود (که همواره خدمت بدین مقدس اسلام و آئین پاك جعفری (ع) ومبارزه با بیدینی ولامذهبی می باشد) منحرف ساخته وبسوی موضوع دیگری که جنبه شخصی داشته باشد منعطف نمائیم و خدا گواه است که این خود برما ناگوار است که سرمقاله‌ما از بحث دراطراف مطالب مهمه عام‌المنفعه دست برداشته وبدفاع شخصی پردازد. ولی چه باید کرد که گاه گاهی چنین پیش می آید ومارا ناچار مینماید. باید خوانندگان گرامی عفو واغماض نمایند.

پوشیده نیست که نامه آئین اسلام موقعی سراز مطبوعات کشور در آورده که مفاسد اجتماعی وهرج ومرج اخلاقی و گمراهی های گوناگون از حد گذشته بود و اثری از نامه مستمری دینی درمیان آنهمه نامه های روزانه وهفتگی وماهانه وسالیانه وانتشارات گوناگون ومطبوعات رنگارنك سیاسی وفکاهی وغیره موجود نبود در یك چنین موقعی تنها نامه‌ای که فقط متکی بلطف خداوندی همتا بود (وفعلاهم نیز غیر از خدای بزرك باحدی اتکاء ندارد) وارد صحنه مبارزه با بیدینی ولامذهبی شده وحقایق درخشان دین مقدس اسلام را در صفحات خود منعکس ساخت آئین اسلام بود و بس. آری در آن روز تنها آئین اسلام بود که ازیکسو با بیدینی و مادیگری و بهائیت میشوم و کثیف ولامذهبی وسایر گمراهیها و نادانیها مبارزه مینمود وازسوی دیگر برادران دینی خود را بسوی اتفاق واتحاد ویگانگی و برادری وهم آهنگی و ایجاد تشکیلات روحانیت دعوت میکرد (هنوز هم بشهادت صفحات خود تعقیب این دو هدف منفی ومثبت ادامه دارد وتا آن دقیقه‌ای که اوراق خود را بامید خدا انتشار خواهد داد تعقیب خواهد نمود.) البته تصدیق می فرمائید که تنها دریك چنین میدان پرخطری وارد کارزار شدن کار آسانی نبوده وخود نیز میدانستیم که در این مقصد، هدف هر گونه تهمتها وافتراها وبهتانها قرار خواهیم گرفت ولی آنچه که ما را دراین میدان ثابت وپابرجا نگه میداشته ومیدارد همانا الطاف سنیه حضرت حق جلت عظمته بوده ومی باشد وماوقتی ازمبارزه خود نا امید خواهیم شد که قدمی بسوی خلاف رضای خدا برداریم و در آن وقت مرك برای ما بهتر از زندگی است. بهرحال مادو سال تمام یکه وتنها مورد حملات ناجوانمردانه دشمنان دین وهدف هجمات جاهلانه اهل حقد و کین قرار گرفتیم وخدای توانا مارا نگه داشته ونگذاشت که از آن حملات وهجمات گزندی وآسیبی بما برسد تا اینکه ازسال سوم ببعد نامه‌های دینی افزوده شد وتادرجه‌ای بارسنگین ما تخفیف یافت و دشمنان دین که میخواستند برما چیره شوند بوسیله افزایش نامه های دینی نه تنها نتوانستند بمقصود خود برسند بلکه شکست خورده وفرسنگها عقب نشستند ولی طرز فعالیت خودشان را عوض نموده و نقشه دیگری طرح کردند باین ترتیب که درنظر گرفتند میان این چند نامه دینی سنك تفرقه انداخته وآنهارا ازهم جدا وبجان یکدیگر بیندازند

چنانکه نامه‌هائی که باین اداره نوشته اند وازمدیران آن جراید ومطالب مندرجه درجراید آنان انتقاد نموده اند خود بهترین گواه گفته ما میباشد بدیهی است که مانند یك چنین نامه‌هائی هم برضد ما نوشته وبآنها فرستاده اند وچون مابیدار بودیم اعتناء ننمودیم ولی دشمنان ما باز دست برنداشته و سنگر عوض نموده ونقشه‌های دیگری درپس پرده میکشیدند بلکه روزی بمقصود خود برسند. تااینکه اخیراً که ورقه فتاوی حضرات مراجع نجف و کربلا و قم ادامت برکاتهم مربوط بوجوب حجاب وامر بمعروف ونهی ازمنکر ازطرف عده متدینین انتشار یافت این ورقه هیاهوی عجیبی وهنگامه شگفتی میان مخالفین حجاب ایجاد نمود. دراین اثناء عده ازهمان بدگوهران که همیشه نان را بنرخ روز میخورند و در ورق پاره های

اخبار قم

در اثر انتشارات برخی جرائد ومقالاتی که این چند روز برعلیه دین برشته تحریر درآورده و مبارزه‌ئی که ورق پاره مرد امروز برعلیه دین ومملکت وامنیت عمومی آغاز نموده روز چهار شنبه ۳۰ر۱۰ر۳۶ جمعیت انبوهی از اصناف و کشاورزان و کارگران بطرف منزل حضرات آیات الله بروجردی وفیض روانه وپس از آنکه حضرات آیات الله جمعیت را دعوت به تفرقه نمودند سپس بتلگرافخانه هجوم آورده تلگرافاتی مبنی براینکه باید پارهٔ جراید تهران خصوصاً ورق پاره مرد امروز امتیازش سلب و محمد مسعود توقیف گردد به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و آقای نخست وزیر مخابره نموده و تاغروب متحصن بودند تا بامر آقایان بروجردی و فیض متفرق گردیده وروز پنجشنبه هم همینطور خلاصه اگر دولت جلوگیری از این رویه پست پاره جراید نکند انقلاب دینی عظیمی درایران بپا خواهد شد زیرا مردم دین را ازجان عزیزتر دارند ودرمقام دین فانی صرف هستند .

روز جمعه ۲و۱۱و۲۶ حضرت آیة الله فیض تلگرافی به آقای نخست وزیر مخابره و روز شنبه ۳ر۱۱ر۲۶ حضرت آیة الله بروجردی تلگرافی مخابره فرمودند وبطوریکه گفته میشود حضرات آیات دیگرهم تلگرافاتی خواهند فرمود و عموماً خواستارند که امتیاز روزنامه مردامروز گرفته شود زیرا کشوری که دارای چهارده ملیون مسلمان است یکروزی نامه اجنبی پرست نباید مقدسات این جمعیت را پایمال هواهای نفسانی خود کند .

☆ ☆ ☆

روزچهار شنبه پس از آنکه جمعیت باوامر حضرات آیات آقای بروجردی وفیض از تحصن خارج شده عده کمی را برای تلگراف حضوری باآقای نخست وزیر درتلگرافخانه گمارده ساعت ۹ بعدازظهر معاون آقای نخست وزیر در تلگرافخانه حاضر وعرایض جمعیت را استماع نموده سپس قول دادند که البته همه گونه اهتمام خواهد گردید و اینگونه جراید هم امتیازاتشان سلب خواهد شد بهرحال مردم درانتظار اقدام آقای نخست وزیر و هرگاه دولت مسامحه روا دارد انقلاب دینی برپا خواهد گردید این نمیشود که یك بیگانه پرست مقدسات یك ملتی را پایمال کند و کسی متعرض او نشود بهر حال ازطرف آیات الله عظام هنوز حکمی مبنی برمهدورالدم بودن مدیر ورق پاره مردامروز صادر نشده است تا دولت اقدام خود را بکند مردم از گرانی و بی پولی بی آذوقه گی وسختی معیشت بتنك آمده و دنیارا با این سختی ومشقت به دیناری خریدار نیستند لذا حاضرند در موضوع دین کشته شوند حال دولت خود داند .

☆ ☆ ☆

تلگراف زیر درتاریخ ۲ر۱۱ر۲۶ به پیشگاه اعلیحضرت همایونی مخابره شده است تهران پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی امر بمعروف ونهی ازمنکر درشمار مهمترین فرائض اسلامی وپیش ازهرچیز منظور نظر شارع مقدس و درقرآن هم کراراً بدان تصریح گردیده است وبا این حال در پایتخت کشور اسلامی تظاهرات برخی جراید برعلیه شریعت وتحت عنوان مبارزه بادین درانظار خودی و بیگانه شرم آور و آنگاه فرایض دینیه از ناحیه ارباب جراید بویژه مرد امروز بی نهایت مایه تأسف وبحکم شریعت منکرین فرایض مهدور الدم وضمن ابراز انضجار ازاین عناصر ناپاك چون حضرات آیات الله عظام از هرگونه تظاهر وتعطیل بازار رسماً جلوگیری فرمودند لذا اهالی به تلگرافخانه متحصن و به پیشگاه مقدس همایونی ملتجی وبنام دین استدعای توقیف جراید ومحدودیت ایشان میشود .

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان درشبهای جمعه

(۲۴)

ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون

سپس شما را پس از مردنتان برانگیختم باشد که شکر گزاری کنید.

اینکه خداوند میفرماید، شما را پس از مرك زنده گردیدم شاید نعمتهای ما را شکر گذار باشند، بعضی احتمال داده‌اند که مراد از موت دراینجا بمعنای مجازی آنست که موت معنوی و فکری است، زیرا قوم بنی اسرائیل ملتی بودند مرده که حیات معنوی و روحی خودرا درمصر بواسطه ذلت وخواری ازدست داده بودند چنانکه بمجرد غیبت موسی گوساله پرست شدند و برای این معنا قرائنی ذکر می نمایند یکی ضمیر (کم) است که معلوم می شود مردن مخصوصی است، دیگر آنکه درآیه پیش موتی ذکر نشده فقط میفرماید صاعقه شما را گرفت واین اعم ازمردن است، قرینه سوم آنکه خود آیه تصریح میکند که شما صاعقه را نظاره میکردید وباضافه قرآن قوم بنی اسرائیل هم عصر خودرا مخاطب ساخته ومرك قبل از زنده شدن را بآنها هم نسبت داده است

باآنکه آنها نمرده بودند، روی این قرائن گفته‌اند که موت بمعنای مجازی یعنی ممات معنوی واجتماعی استعمال شده است ولی باهمهٔ این قرائن ظاهر قرآن وبعضی احادیث دلالت بر موت حقیقی می نماید ـ والله اعلم

☆☆☆

تذکر بخوانندگان نامه شریفه آئین اسلام

تفسیر یکه چندیست در روزنامه آئین اسلام منتشر میشود درسی است که چندی درشبهای جمعه برای دانشجویان اسلامی گفته شده وچون یکی از جوانان دانشجو درضمن درس یادداشت می نمودند، انطور که مطالب بیان شده است در پاره قسمتها بیان نشده باین جهت قرار شد هرقسمتی که درج میشود درمرتبه ثانی بنظر این جانب برسد، وچون درتجدید نظر نسبت به بعضی قسمتهای (از جمله قسمت شماره ۳۷) تفسیر غفلت شده و یادرمسافرت بوده‌ام پاره مطالب مجمل ونارسا شده است .

روی این زمینه از خوانندگان تقاضا دارم درهرقسمتی اگر اشکالی پیش آمده بوسیله اداره آئین اسلام توضیح بخواهند وازاداره آئین اسلام تقاضادارم چندی درج آنرا تعطیل نماید تادرنوشته‌ها کاملا دقت شود ، آنگاه امر بدرج نماید توفیق همه را از خداونداهانم .

سید محمد طالقانی

آئین اسلام

جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۲۶ | شماره ۴۰ | برابر ۹ ربیع الثانی ۱۳۶۷



سال چهارم

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوریانی
نشانی: تهران - سرپل امیربهادر
تلفن ۸۹۱۹

آئین اسلام

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

یک شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلاً دریافت میشود

نفوذ بیدینی در کشور ایران

در این هنگام که دنیا درمحیط ظلم وتعدی ، زور و قلدری، اجحاف وتطاول، غارتگری وچپاول ، بالاخره غلبه قوی برضعیف دوره بحران آمیزی‌را میگذراند . عقلای جهان باین تکیه پی برده‌اند که جلوگیری ازاین اوضاع وحشت‌انگیز منحصر بترویج دین‌است وبس وخواه وناخواه باید تشخیص بدهند که‌تا کاروان بشر بسوی شاهراه سعادت «دین» دعوت نشود باین بدبختیها خاتمه داده نخواهد شد .

دولی که این معنی را زودتر ازسایرین درك نموده‌اند دراین فکرافتاده اند که روح دیانت را در ملت خود تقویت نمایند. مثلادولت ترکیه پس ازچندین سال تجربه احساس نمود که باید برابر شیوع ما دیگری جنبه دین را تقویت نماید و ازاین‌رواجازه‌داد که مسلمانان درتعظیم شعائر دینی خود آزاد باشند و پس از آنهمه سختگیری های سابق تسهیلاتی هم در این مورد معمول‌داشته وحتی راه مکه‌را که سالیان‌متمادی برای ملت‌خود بسته بود باز نمود وهزارها مسلمانانرابسوی کعبه عالم رهسپار ساخت واخیراًهم حزب حلق ترکیه دستور اجرای تعلیمات مذهبی‌رامی‌دهد . اما بدبختانه هنوز درایران از تمدن مرموزیکه کشورهای بزرك دنیارا بآتش خود شعله ور نموده و ملیونها متمدنین !! را بخاك مذلت نشانده است پیروی‌می‌شود. آری‌درایران میخواهند دیکتاتوربوجودآورند لذا سعی می‌شود که عقاید وعلاقه مردم‌را نسبت بدین وآئین محو نمایند وبرای این‌منظور طبقه علاقمند بدین را بظواهر وخرافاتی سرگرم نموده‌اند ومتجددین وجوانان تحصیلکرده امروزی‌را ازمبانین حقیقی دین دور و فریفته ظواهر و تمدن غرب ساخته اند . باید اعتراف کرد در این کشور یکعده که بهیچ‌وجه استقلال‌فکری ندارند مقدرات کشوررا بدست گرفته ودین‌را ازجمله خرافات محسوب میدارند . این مقلدین هنوز احساس نکرده‌اند که‌مضرات بیدینی تاچه پایه‌است زیراهنوز نمی توانند جدائی میان سود و زیان بگذارند . امروز همین تیپ بی پرنسیپ می‌باشند که‌مراکز حساس کشور مارا اشغال نموده وتمام فعالیتهای گروه متدینین را در اثر بی اعتنائی‌و لاابالیگری خودشان‌عقیم وبلااثرمیگذارند . آری‌همینهاهستند که درمراجعات دینی از هیچگونه ستمگریهامضایقه‌ننموده و راه‌اصلاحات‌رابروی‌آنان می بندند . در این‌جاشاید بعضی از مردم‌خوش‌باور چنین‌پندارند که‌سبب این سختگیریها سیاست روز یاعوامل مرموزی‌می باشد ولی‌ما نمیتوانیم باور کنیم که تنها سیاست روز مایه این بد بختیهاست . زیرا اگر سیاست روز علة‌آن همه رکود وجمود بود لازم بود که اقلا درادوار زندگانی روزی‌هم بنفع دین تمام میشد . چه بدیهی است که سیاست مانند موج دریا مد وجزر دارد وما تاکنون ندیدیم که در ایران چه درمد وچه در جزر سیاست قدم اساسی بنفع دین برداشته‌شود . پس علة‌عدم پیشرفت دین در ایران چیست چرا دین در تطورات سیاست هم همیشه عقب میماند ؟! چرا وقتیکه کشور ایران‌را باکشورهای دیگر اسلامی‌ازلحاظ دین مقایسه میکنیم کشور ایران‌را عقب‌تر از همه آنهامی‌بینیم ؟! مثلا چرا دین درترکیه ازتطورات‌سیاست استفاده نموده‌است اما هنوز در ایران که از لحاظ موقعیت برای ترویج دین سزاوارتر از ترکیه است نتوانسته‌است کوچکترین‌استفاده‌ای بنماید ؟! میگوئیم علة‌آن بسیار واضح و هویداست وآن علة اینست که علاوه‌از زیاده روی درتقلید، عدم آشنائی‌توده‌مردم به حقایق دین ومحدودیت دایره تبلیغات دیانتی وبالاخره بی اعتنائی وخود داری وزارت فرهنك‌مابه‌ترویج حقایق اسلامی و توسعه تعلیمات دینی می باشد . ماا گر با نظر ساده بکشور های اسلامی توجه کنیم می‌بینیم که در همه‌جا مراکز حساس در دست یکعده‌متدینین بوده‌ومی‌باشد اما در ایران متأسفانه درمراکزحساس‌یکعده بیعلاقه‌بیدین‌زمام‌اموررا بدست گرفته و در هر اداره‌ای پستهای موثری‌را عناصرناپاکی اشغال نموده است ازاین رواگر روزی‌هم سیاست برای ترویج دین‌مقتضی باشد همان عده لامذهب ، همان عناصر بیدین ، همان جراثیم ناپاك مانع ازتأثیرآن شده ویابسیار محدودش می‌نمایند . ما می‌توانیم برای این مطلب شواهد بسیاری بیان کنیم و ازهمه

بقیه در صفحه ۱۹

بقلم حضرت آقای طالقانی

توضیح و تبیین

درمطلب تفسریکه درشماره ۳۷ آئین‌اسلام درج‌شده.

در شماره ۳۸ آئین اسلام تذکر دادم که تفسریکه در شماره ۳۷ درج ومنتشر شده مطلب آن مجمل ونارسا بود و یکقسمت آن باآنچه دروقت درس بیان شده یکسره مغایرت داشت، چون پس‌از انتشار آنرا خواندم موجب تأثر گردید ولی ازآنجائیکه نویسنده آنرا میشناسم که ازدانشجویان با ایمان است میدانم این پیش‌آمد دراثر اشتباه درمطلب واداء مقصود بوده‌است.

که باتوضیح مختصری رفع ابهام واشتباه میشود و مقصود معلوم میگردد بمناسبت آیات‌این مطلب پیش‌آمد که، معجزات چیست وآیا ازامور محال‌است‌یاممکن؟! وآیا دارای علل واسبابند یانه! ونتیجه اعجازچیست!

معجزه عملی است که برخلاف سنت و جریان طبیعت بدست انبیاء وبرای اثبات نبوت وتکان دادن عقول وافکار جاری میشود.

وازجهت آنکه برخلاف عادت وسیر طبیعت یا عادت و مألوف مردم است معجزات را خارق عادت هم میگویند(یعنی پاره کننده ودرهم شکنندهٔ عادت) البته معجزات ازقسم‌امور محال عقلی نیستند، بلکه از قسم ممکنات میباشند و دارای علل و اسبابی هستند که فوق طبیعت و ماده است و خداوند مردمان برگزیده را بآن علل آشنا مینماید ونیروی تصرف بآنهامیدهد.

اینگونه کارهای غیرعادی‌انبیاء که‌معجزه نامیده‌میشوند دوقسم است.

یکقسم تصرفاتی که درطبیعت مینمودند، یا کارهای غیر عادی محسوس که انجام میدادند، دراین قسم ازمعجزات‌عمده جهت اعجاز از ناحیه جاری شدن بدون علل و اسباب طبیعی است نه نتیجه آن، بنابراین از دور شنیدن یا نمایاندن اشیاء اگر بدون اسباب وعلل‌طبیعی‌انجام گردد معجزه است نه‌ازهر راه وبواسطه هرگونه علل، برای توضیح اینکه معجزات یا علل واسباب‌غیرطبیعی‌صورت‌میگرددمیگوییم:عادتی که‌خداوند درجریان طبیعت قرارداده این استکه مواد مرده پس از گذشتن زمانی بصورت زنده‌گان درمیآید اینهم گرچه معجزه وقدرت خداوند است که پیوسته درمقابل‌چشم انسان است‌ولی چون عادی شده این عادت مانند پرده ای استکه روی افکار میپوشاند واحساس بقدرت وحرکت فکررا راکد مینماید، ولی چون از صورت عادی‌وسیرتدریجی‌خارج شد خرق عادت میشود، البته این حرکت وسیر تدریجی بواسطه قوائی است که ماده را دائماً بصورت‌های گوناگون درمیآورد و آن قوا مانندست موسی‌مظاهرقدرت‌حقند، وازماده مرده صورتهای گوناگون میسازند.

چون پیغمبری مبعوث شد تا عقلها را از عادات نجات دهد ومتوجه حق گرداند و دعوی خودرا ثابت کند باذن خدا همین قوائی‌را که فعال درماده‌اند تقویت مینماید و بواسطه مضاعف شدن نیرو، ناگهان ماده مرده باعصا تبدیل بزمین یا اژدها میشود مانند چراغیکه بواسطه افزوده شدن نیروی آن، روشنی تدریجی آن یکمرتبه چندین برابر میشود، ولی تمام اینگونه معجزات حسی برای مردمی حجت است که آنها رامی‌بینند ویابطور قطع برای آنها ثابت میشود و ایمانیکه ازاین راه حاصل شود دائم وباقی نخواهد بود، چنانکه بنی‌اسرائیل پس ازدیدن آنهمه آیات بگوساله گرویدند. چون ایمانی که باتبدیل عصا باژدها بیاید بابانك گوساله هم میرود معجزات مهم انبیا همان تصرفاتی‌است که بوسیله قدرت منطق ورموز تربیتی افکاررا برای همیشه تغییر میدادند، یعنی‌سیریکه بافکر عادی بشر درسالهای‌دراز بایدانجام کرد درمدت اندکی انجام میگرفت ومردم را برموز مبدأ و معاد آشنا میکردند وافکاررا دیگرگون‌مینمودند وفضائلی که بوسیله هیچ مدرسه وتعلیمی ایجاد آن ممکن نیست ایجاد مینمودند، که این خود مطلب مفصلی است.

باینجهت معجزه دائم و باقی پیغمبر اسلام (ص) قرآن است که درعین‌آنکه ازجهت بلاغت خرق عادت نموده معجزه عقلی و تربیتی است وهمیشه افکار و عادات را تغییر میدهد و مانند عصای موسی هروقت و در هر جامعهٔ القاء شود باطل‌ها وافعیها را نابود میکند.

بادقت دراین بیان موارد اشتباه تفسیر مندرجه معلوم میشودوجواب‌سؤالات‌هم گفته‌شده‌است‌انشاءالله تعالی والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

بشارت

درنتیجه جلوگیری آقای صباح کازرونی رئیس اداره تبلیغات داخلی وانتشارات ازنشر پارهٔ نمایشها و اشعاریکه متضمن مفاسد اخلاقی بوده و کارکنان رادیو بانشر این قبیل مفاسد همراه بوده‌اند مأموریت ایشانرا در چندی قبل تغییر دادند وتبلیغات داخلی‌را درمعنی منحل‌نمودند باتوجه‌به‌اینکه اساس اداره کل انتشارات و تبلیغات تبلیغات داخلی است خوشبختانه در تصدی آقای فرهودی بمعاونت نخست وزیر و رئیس کل انتشارات و تبلیغات جدیداً آقای صباح کازرونی بریاست اداره مهمه تبلیغات داخلی وانتشارات منصوب شدند وخدمات گذشته ایشان مورد تقدیر واقع شد، این‌حسن‌انتخاب راکه موجب مسرت عموم است شایان تمجید دانسته‌ومتذکر میشویم که اشتباهاتیکه مخالفین برای انجام مقاصد شوم خود درفلج نمودن این اداره مینمایند فقط برای نشرمفاسد اخلاقی است که انضجار عموم را متوجه بدولت کنند.

کتابخانه آنلاین «رهنمای کتاب ما»